

بررسی موضوعی انطباق قرآن با علوم تجربی

دکتر محمدامین ناصح*

چکیده

یکی از وجوه معجزه بودن قرآن، اعجاز علمی آن است. در اینجا مراد از علم، علوم تجربی است؛ یعنی علمی که با شیوه امتحان و تجربه (آزمایش و خطا)، درستی و یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. لذا منظور از تفسیرهای علمی، همان توضیح دادن آیات قرآن به وسیله علوم تجربی است. نظیر آیه‌ای که از حساب سخن می‌گوید و به علوم ریاضی اشاره دارد. «و کفی بنا حاسبین» و نیز «رفیع درجات» که با حساب ابجد ۳۶۰ درجه بودن دایره را در هندسه استخراج نموده‌اند و همچنین علم پزشکی را از آیه «وانا مرضت فهو یشفین» به دست آوردند که آنجا خداوند از قول حضرت ابراهیم نقل می‌کند که وقتی من بیمار شدم، اوست که شفا می‌دهد.

بسیاری از مفسران و صاحب‌نظران در حوزه علمی اعجاز قرآن قلم زده‌اند تا اعجاز این کتاب مقدس را از این طریق اثبات کنند؛ اما در این میان بعضی راه افراط و برخی تفریط را پیش گرفته‌اند، به طوری که عده‌ای بیش از ۳۰۰ آیه قرآن را با علوم تجربی تطبیق داده و در بسیاری موارد ادعای اعجاز علمی نموده‌اند و برخی دیگر این مطالب را غیر صحیح و تحمیل بر قرآن دانسته و اعجاز علمی را به کلی منکر شده‌اند.

از مجموع دعاوی مطرح شده در این زمینه و نیز بررسی آثار موافقان و مخالفان تفسیر علمی، چنین بر می‌آید که رد کامل یا تأیید حتمی تمام انواع تفسیر علمی صحیح نیست. بدیهی است مواردی همچون: تفسیر به رأی، استخدام علوم با تمسک به تأویل غیر صحیح آیات، تحمیل نظریات علمی یا دیدگاه مفسر بر قرآن، انجام

* عضو هیأت علمی گروه زبان انگلیسی دانشگاه بیرجند

تفسیر علمی توسط افراد غیر متخصص و ... می‌تواند از معیارها و مصادیق تفاسیر علمی غیر معتبر محسوب گردند.

مقاله حاضر، که در قالب شش بخش تنظیم گردیده است، اساساً تجلی نگرشی مسئولانه به مقوله تفسیر علمی قرآن است و ضمن مروری بر تاریخچه و اهداف انطباق قرآن با علوم تجربی، به بررسی تطبیقی پیشینه تفسیر علمی در غرب و اسلام می‌پردازد و در پایان به اختصار آثار مثبت و منفی انطباق قرآن با علوم تجربی را مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: علوم تجربی، تفسیر علمی، اعجاز علمی، قرآن کریم و بررسی تطبیقی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف) نگاهی گذرا به تاریخچه انطباق قرآن با علوم تجربی

اگرچه قرآن کریم به زبان عربی فصیح بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل گردید و مردم به آسانی آن را درک می‌کردند و در مواردی هم که منظور و هدف یک آیه برای مسلمانان مشخص نبود، پیامبر با اتصال به عالم غیب و آشنایی با باطن و حقیقت آیات، مسائل قرآن را تفسیر می‌نمود و بدین وسیله گره از مشکلات آن می‌گشود، اما با رحلت پیامبر (ص) هزاران پرسش برای مسلمانان بی‌پاسخ باقی ماند.

در این دوران بود، که نیاز به تفسیر و تبیین قرآن ملموس شد و خصوصاً چون هر سال قلمرو مسلمانان در اقصی نقاط عالم افزایش می‌یافت، بالطبع هزاران نفر با سؤالات و افکار نو با اسلام و مسلمانان مواجه می‌شدند. در چنین شرایطی بود که مسلمانان به سراغ اصحاب، یاران و اهل بیت پیامبر (ص) رفتند و تبیین و تفسیر قرآن را از آنها خواستار شدند. شیعیان در جستجوی علی (ع) و اهل بیت و دیگر گروه‌های اسلامی نیز به دنبال یکی از یاران پیامبر (ص) رفتند تا بتوانند حقیقت قرآن را به درستی دریابند. در چنین موقعیتی بود که با پیدایش علم تفسیر، برای تبیین قرآن راه‌های متنوعی ارائه شد که تفسیر علمی، یکی از این طرق بود و از سال‌های اولیه اسلام آغاز و تا به امروز ادامه دارد و تاکنون دیدگاه‌های مثبت و منفی بسیاری را به وجود آورده است.

منظور از تفسیر قرآن توضیح نکات مشکل در الفاظ، معانی و اهداف آیات است. در تفسیر علمی، هدف از واژه «علم»، علوم تجربی است؛ یعنی: علمی که به وسیله امتحان و تجربه، صحت و سقم دیدگاهها و قاعده‌های حاکم بر عالم را تحلیل می‌کند. لذا مقصود از تفسیر علمی، تشریح آیات قرآن به کمک علوم تجربی است. تاکنون تفسیر علمی به طرق گوناگونی انجام شده و به همین دلیل هر فرد با عنایت به برداشت خود از تفسیر علمی، در برابر آن، واکنشی مثبت یا منفی نشان داده و نام‌های خاصی از قبیل تفسیر علمی، تطبیق، استخدام علوم یا تحمیل علوم بر قرآن، استخراج علوم از قرآن بر آن نهاده است.

علامه طباطبایی (ره) در خصوص شیوه کسانی که علوم نوین را با آیات قرآن تطبیق می‌دهند و آنچه با رأی و نظر آنها هم افق است از قرآن گرفته، آیات گوناگون را تأویل می‌نمایند، می‌فرماید: «این طریق از بحث را سزاوار است که تطبیق بنامیم و نام تفسیر بر آن نگذاریم.»^۱

۱- سابقه تفسیر علمی در مغرب زمین

بشر همواره در خلال تاریخ نسبت به دو نوع معرفت، شناخت پیدا کرده است: ۱- معرفت دینی که از طریق وحی و توسط پیامبران به او رسیده و وی را با خدا و ماورای طبیعت آشنا نموده است. ۲- معرفت عقلی و تجربی، که با تأمل در طبیعت به دست آمده است. در گذشته تقسیم حوزه‌ها و موضوعات مطرح در علوم طبیعی و الهی مشخصاً روشن نبود و لذا ناهماهنگی‌هایی در این دو حوزه رخ می‌داد؛ یعنی بعضی متفکرین علوم تجربی در مسائلی خارج از حوزه خود مانند متافیزیک ابراز عقیده نمودند و از طرف دیگر متخصصان علوم دینی در موضوعات علوم تجربی اظهار نظر کردند. این مسئله به تعارض میان علم و دین انجامید. این موضوع در غرب اوج گرفت و در قرون وسطی دادگاه‌های تفتیش عقاید را به وجود آورد. این دوران برای ادیان الهی ناگوار بود و هنوز آثار منفی آن در اروپا مشهود است. دین‌گریزی یکی از آثار مخرب آن بود که زمینه ساز ظهور مکاتب الحادی همچون مارکسیسم شد.^۲ این تجربه ناکام با دو واکنش متفاوت رو به رو شد:

الف) جداسازی کامل قلمرو علم و دین، که عمدتاً در اروپا رونق گرفت.

ب) توافق علم و دین، که به جهت زیاده روی عده‌ای، موجبات بروز تداخل علم و دین را پدید آورد و برخی نیز از سر اعتدال توافق علم و دین را مطرح ساختند.^۳ تطبیق آیات کتابهای الهی با علوم تجربی، عکس‌العکس طبیعی در برابر نفی دین بود که توسط غرب صورت گرفت. مسیحیان تورات و انجیل را با هیأت بطلمیوسی مطابقت دادند و حتی مخالفان با اصول بطلمیوسی را گمراه می‌نامیدند اما این نوع تفسیر در غرب ادامه پیدا نکرد؛ زیرا ناسازگاریهای کتاب مقدس پس از برخورد با

علوم نوین هر روز آشکارتر می‌گردد. جریان محاکمه گالیله را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از تداخل علم و دین در قرون وسطی بر شمرد.

۲- سابقه تفسیر علمی در اسلام

مسلمانان پس از پیروزیهای مکرر در قرن اول هجری و فتح سرزمینهای جدید، پیوسته با افکار تازه و ادیان نوینی رو به رو می‌شدند. پس از پایان جنگها و افزایش تبدلات فرهنگی با تمدنهای ایرانی، رومی، یونانی و بعدها هندی، جو فرهنگی جامعه اسلامی تغییر کرد.^۱ مسلمانان علوم یونانی، ریاضیات، طب، علوم طبیعی، هیأت و فلسفه را از یونان آموختند و مطالب بسیاری به آنها افزودند؛ به طوری که در قرن سوم و چهارم هجری کتابهایی را در طب (قانون بوعلی سینا) در باب فلسفه (شفای بوعلی سینا)، نجوم، ریاضیات و ... را به رشته تحریر در آوردند. پس از شکل‌گیری نهضت ترجمه در اروپا (قرن ۱۲ میلادی) دیدگاههای بوعلی سینا و ابن رشد تا سالها در دانشگاههای اروپا تدریس می‌شد. از سوی دیگر در همین دوران، ترجمه و تألیف آثار غیرمسلمانان در خصوص علوم گوناگون باعث تعارضاتی بین ظاهر برخی آیات قرآن و علوم نوین گردید. در قرنهای آغازین اسلام، دانشمندان مسلمان کوشیدند، با انتخاب یکی از این دو راه، مشکل تعارض قرآن و علوم جدید را مرتفع سازند.

۱- اعلام رد موضوعات باطل این علوم، که به منظور افزایش آگاهی مردم و راهنمایی آنان انجام شد؛ چون بخش عظیمی از مبانی علمی - فلسفی یونان، دارای اشکالاتی بود که با دین اسلام در تعارض بود و متعاقب آن کتابهای مفاتیح الغیب (امام فخر رازی)، تهافت الفلاسفه (ابوحامد غزالی) و ... به رشته تحریر در آمد.

۲- تلاش برای تطبیق آیات قرآن با علوم تجربی، تا از این راه به مردم، صدق آیات علمی قرآن را ثابت کنند. حتی عده‌ای مانند فخر رازی و ابوعلی سینا کوشیدند تا با این روش، اعجاز علمی قرآن را به اثبات رسانند. برای مثال، فخر رازی در تفسیر کبیر در مورد آیه «ثم المستوی الی السماء فسوا هن سبع السماوات و هو بکل شیء علیم»^۲ آسمانهای هفتگانه را با سیارات هفتگانه‌ای که بیشتر توسط علم هیأت و نجوم

یونانی ثابت شده بود تطبیق نمود^۴. از میان فلاسفه نیز، ابوعلی سینا بین فلسفه (به معنای عام) و قرآن تناسباتی یافت و عرش را همان فلک الافلاک (نهمین فلک هیئت بطلمیوسی) تلقی نمود^۵.

این شیوه از تطبیق یا تفسیر علمی سالها تداوم داشت و در این خصوص متفکرین بزرگ شیعه و سنی به تفسیر علمی قرآن پرداختند. به عنوان نمونه، علامه مجلسی در تفسیر آیه شریفه فوق می‌گوید: «هفت آسمان تفسیری است برای السماء و هفتگانه بودن آسمانها، با افلاک نه گانه‌ای که منجمان ثابت کرده‌اند منافاتی ندارد؛ زیرا فلک هشتم و نهم در زبان دینی به نام کرسی و عرش نامیده شده است.^۶ البته بدیهی است عنایت ویژه قرآن به علم و بیان موضوعات علمی در خصوص کرات، آسمانها، گیاهان، زمین و ... بر رشد فکری و پیشرفت علوم اسلامی تأثیر زیادی نمود؛ بالطبع در چنین موقعیتی تفسیر علمی نیز رونق گرفت.

ب) تفسیر علمی در دوره معاصر

با این وجود که از عمر تفسیر علمی ده قرن می‌گذرد، این نوع خاص از تفسیر در قرن اخیر رونق شایانی به خود گرفته، در این زمینه کتب ارزشمندی توسط مفسران به ویژه در مصر، ایران و هند به رشته تحریر در آمده است.^۷ البته در این مسیر دانشمندان زیادی از علوم تجربی را می‌توان نام برد، که برخی بدون غرض و بعضی مغرضانه به تفسیر علمی قرآن اقدام نموده‌اند و حتی مفسرین صاحب نام شیعه و سنی نیز تفسیرهایی با آمار و ارقام مبتنی بر نظریات علوم طبیعی ارائه نموده‌اند.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین علل گسترش تفاسیر علمی در دوران معاصر نظری می‌افکنیم:

۱- متعاقب رشد سریع علوم تجربی در اروپا و آغاز تعارض بین علم و دین، حمله به دین و دینداران آغاز شد و آثار آن به کشورهای اسلامی رسوخ کرد. کتاب مقدس به دلیل ضعف و تحریف و نیز اختلاف آن با اصول هیأت بطلمیوسی و

داستانهای جعلی، تاب تحمل در برابر حقایق علمی را نداشت و در نتیجه به تدریج بین آیات کتاب مقدس و کلیسا از یک سو و متفکرین علوم تجربی نظیر هسوآداران نظریه تکامل انواع از سوی دیگر شکافی پدیدار شد و سرانجام این جریان به شکل-گیری مکاتب الحادی چون مارکسیسم منتهی شد. این جریانات در ابتدای قرن ۲۰ میلادی رشد قابل ملاحظه‌ای در غرب پیدا کردند و با استفاده از نقاط تحریفی مسیحیت افکار الحادی را به خوبی تبلیغ نمودند و در شوروی سابق به تشکیل حکومت کمونیستی موفق شدند. اگرچه سابقه تقابل کلیسا با دانشمندان علوم تجربی به قرون وسطی مربوط می‌شود، این جریان در دوره معاصر شدت گرفت و پس از انعکاس این تعارضات در کتب و جراید مختلف و ترجمه آن به زبان عربی، همین معضل عیناً در کشورهای اسلامی نیز پدید آمد. در این زمان، رشد افکار الحادی در بعضی کشورهای اسلامی از جمله مصر به چشم می‌خورد؛ زیرا این کشور به اروپا نزدیک‌تر و محققین و محصلین جوان در جریان تبدلات علمی با کشورهای غربی، این فرهنگ نوپا و روشنفکر مآبانه را با خود به کشورهای اسلامیشان به ارمغان می‌آوردند. در چنین شرایطی مسلمانان فرهیخته از تأثیر منفی عقاید گروه‌های الحادی بر افکار و اعتقادات پاک جوانان مسلمان، احساس خطر نمودند. آنها از سازگاری کامل دین اسلام با پیشرفتهای دیگر علوم اطمینان داشتند و برای رفع شبهه تعارض میان علم و دین اهتمام ورزیدند؛ هر چند در این جهت افراط و تفریطهایی نیز صورت پذیرفت.

۲- دلیل دیگر گسترش تفسیر علمی در دوران معاصر تلاش ویژه دانشمندان مسلمان به منظور اثبات جنبه‌های اعجاز علمی قرآن بود. برای نیل به این مقصود بسیاری از مفسران تلاش نمودند تا با کنار هم گذاردن مطالب علمی و آیات قرآن، به اثبات اعجاز علمی این کتاب آسمانی بپردازند. در این خصوص، شواهد زیادی که مبین اعجاز قرآن است به چشم می‌خورد. مطالبی در مورد زوجیت گیاهان، حرکت خورشید و زمین، عجایب آسمانها و ... که پس از گذشت قرن‌ها دانشمندان علوم تجربی بر حقیقت آنها صحه گذارده‌اند.^{۱۱}

۳- دلیل دیگر گسترش تفسیر علمی در قرن بیستم نفوذ افکار و عقاید انحرافی برخی از روشنفکران در کشورهای مسلمان بود. برخی از مسلمانان که به قصد تحصیل به کشورهای اروپایی مسافرت نمودند، با تقلید کورکورانه از غربیها تحت تأثیر نظریه اصالت حس هیوم، روش حسی و تجربی (شیوه خطا و آزمایش) را تنها راه پیشرفت، تصور نمودند و از سوی دیگر راه وحی را منسوخ شده فرض کردند و از این رو به تطبیق آیات قرآن با علوم تجربی پرداختند و هر جا که بین ظاهر آیات با مسایل علوم طبیعی ناهماهنگی مشاهده می‌کردند به تأویل غیر صحیح آیات یا تفسیر به رأی پرداختند. این عده به جذب جوانان مسلمان در کشورهای اسلامی اقدام نمودند و قصد تغییر وضع اجتماعی به نحو مورد نظر خود را داشتند. این گروهها همچون مارکسیستها، بیشتر تفکرات غیراسلامی داشتند و بعضی دیگر نیز چون می‌دانستند که اگر از ابتدا به انکار اصل دین پردازند، امکان جذب جوانان مسلمان را نخواهند داشت. لذا منافقانه محتوای آیات و روایات را مطابق با افکار خود تأویل نمودند. حضور این عده در میدان تفسیر علمی، موجبات انکار کامل این روش تفسیری را از سوی متفکران اسلامی فراهم نمود.

ج) نظریات مختلف در خصوص وجود یا عدم وجود علوم بشری در قرآن مفهوم لغوی واژه «علم» و معادلهای آن، مانند دانش و دانستن، روشن است، ولی علم، معانی اصطلاحی دیگری نیز دارد. منظور ما از «علم» در اعجاز علمی، مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد، است و لذا علم به معنای فلسفه یا الهیات در اینجا مورد نظر نیست. این همان اصطلاحی است که تجربه‌گرایان (پوزیتیویستها) به کار می‌برند و بر اساس آن علوم و معارف غیر تجربی را علم (Science) نمی‌شمارند.

اما در پاسخ به این پرسش، که آیا همه علوم بشری در قرآن موجود است سه نظریه مطرح است که در اینجا به اختصار به آنها اشاره می‌شود :

نظریه نخست: برای اولین بار، این نظر در کتاب «جواهر القرآن» و «احیاء العلوم» ابوحامد غزالی به چشم می‌خورد که تمام علوم بشری را می‌توان در قرآن جستجو کرد.^{۱۱} سپس جلال‌الدین سیوطی در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» نظر غزالی را تأیید می‌کند. فیض کاشانی نیز در مقدمه تفسیر صافی^{۱۲} همین نظریه را به طور ویژه‌ای در بخشهایی از علوم می‌پذیرد. در دوره معاصر هم افرادی چون، طنطاوی جوهری در تفسیر مشهور «الجواهر فی تفسیر القرآن» تلاش کردند تا تعدادی از علوم نوین را با قرآن تطبیق نمایند. این گروه برای ادعای خود عمدتاً دلایل زیر را مطرح نموده‌اند:

۱- ظاهر بعضی آیات قرآن چنین می‌نماید که همه چیز در قرآن موجود است. «نزّلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء.»^{۱۳} و کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده «هر چیز» است.

۲- آیاتی در قرآن وجود دارد که به علوم مختلف اشاره می‌کند؛ نظیر آیه‌ای که از حساب و علوم ریاضی سخن می‌گوید: «و کفی بنا حاسبین»^{۱۴} و اثبات ۳۶۰ درجه بودن دایره با حساب ابجد را از آیه «رفیع درجات»^{۱۵} و همچنین اشاره به علم پزشکی را از آیه «و اذا مرضت فهو یشفین»^{۱۶} استخراج نمودند. علاوه بر اینها روایاتی نیز وجود دارد که مبین تجلی همه علوم در قرآن است.^{۱۷}

نظریه دوم: این عده معتقدند که قرآن تنها کتاب هدایت و دین است و با هدف تبیین مسائل علوم تجربی نازل نشده است. نویسندگان تفسیرهای «مجمع البیان» و «کشاف» در این خصوص معتقدند: منظور از «لکل شیء» در قرآن، موضوعات مربوط به هدایت و دین است.^{۱۸}

نظریه سوم: طرفداران این دیدگاه معتقدند که تمام علوم در ظاهر آیات قرآن متجلی نیست و اصلی‌ترین هدف قرآن نیز روشنگری انسانها به سوی حق است و از طرفی، قرآن همواره همه را به اندیشیدن و کسب علم دعوت می‌نماید و به بعضی از نمونه‌ها و موضوعات علمی اشاره دارد که حاکی از اعجاز علمی قرآن است. اینان معتقدند که قرآن، کتاب تربیت، اخلاق و هدایت دینی است و برای راهنمایی انسانها به سوی خداشناسی نازل شده است. لذا احتیاج به بیان همه مطالب علوم طبیعی با

تمام جزئیاتش نیست، هر چند که در این میان گاهی به اشارات دقیق و صادقی نیز بر می‌خوریم که طبعاً نمی‌توان به آنها جنبه آموزشی داد، بلکه صرفاً برای ذکر مثال است. این موضوع مورد تأیید جمع زیادی از صاحب‌نظران و مفسرین معاصر است.^{۱۹}

با توجه به مطالبی که در این سه نظریه مطرح شد، چنین نتیجه می‌گیریم که قرآن به تمام علوم به صورت جزئی اشاره نمی‌کند. در قرآن کریم به برخی از علوم و موضوعات علمی اشاره شده است (مانند آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام و ...) اما تمام علوم به صورت «بالفعل» در قرآن ذکر نشده، بلکه این قبیل اشارات علمی حاکی از آن است که نیازهای دینی و معرفتی انسان در قرآن به تفصیل یا به اختصار بیان شده است.^{۲۰}

د) بررسی اهداف اصلی قرآن از طرح اشارات علمی

در اینجا بر آنیم تا ببینیم که هدف اصلی قرآن از بیان مسایل علمی چیست؟ برای این پرسش سه پاسخ ارائه شده است:

۱- بیان موضوعات و مثل‌های علمی در قرآن منظور اصیل و نهایی این کتاب مقدس نیست و هدف آن، دعوت بشر به سوی پروردگار است؛ ولی برای ذکر مثال و نمونه، از موضوعات علمی و شواهد واقعی بهره می‌گیرد. این نظریه موافق دیدگاه کسانی است که عبارت «تبیاناً لکل شیء» را با مسائل و امور دینی مترادف می‌دانستند.^{۲۱} مطابق این دیدگاه اشارات قرآن به علوم و دانستنیهای روز، برای کسب علم و معرفت و تجلیل از مقام دانش را انگیزه‌ای فراهم نموده است و همچنین به نوعی راه خداشناسی را مطالعه آیات آفاقی و انفسی دانسته است.

۲- گروه دیگری از محققین معتقدند که هدایت و ذکر مثال‌های علمی هر دو از اهداف اصلی قرآن هستند و همان گونه که هدایت دینی و معنوی انسان و ذکر معارف الهی از اصلی‌ترین مقاصد قرآن است. تبیین موضوعات علمی نیز از اهداف مهم آن به شمار می‌آید. موضوع حاضر موافق دیدگاه کسانی است که ادعا می‌کردند

در قرآن کریم تمام معارف دینی و نیز علوم امروزی موجود است.^{۲۲} که این دیدگاه (وجود تمام علوم در ظاهر قرآن) را پیش از این مردود اعلام کردیم.

۳- در خصوص هدف قرآن از ذکر اشارات علمی نظریه دیگری نیز وجود دارد که، معتقد است زبان قرآن در داستانها و مثالهای علمی به شکل سمبلیک بوده است و ذکر مثالهای علمی، منظور اصلی قرآن نیست؛ زیرا اگر قصص متشابه قرآنی را به صورت اتفاقات تاریخی در نظر بگیریم، نامفهوم است ولی اگر به شکلی سمبلیک فرض نماییم، آن گاه بیانگر اسرار علمی انسان شناسی و تاریخی خواهد بود. موضوع آفرینش آدم (آیه ۲۶ سوره حجر) و نیز داستان هابیل و قابیل، نمونه‌هایی عینی از زبان رمزی و فلسفی هستند. آیه شریفه «الشمس تجری لمستقر لها»^{۲۳} که به حرکت یا جریان خورشید اشاره دارد، در حال حاضر از شواهد اعجاز قرآن به حساب می‌آید. البته بدیهی است تلقی سمبلیک بودن برخی از اشارات قرآنی، نباید راه را برای انواع تفسیر به رأی هموار کند و به برداشتهای تخیلی و غیر واقعی بینجامد.

از آنچه تاکنون معروض گشت چنین بر می‌آید که ذکر موضوعات و اشارات علمی قرآن، موجب هموار شدن مسیر معرفت الهی می‌شود؛ زیرا که منظور قرآن، ذکر نشانه‌های الهی و تأمل در شواهد قدرت و رحمت اوست. منظور از بیان آیات الهی چون: عجایب زمین، آسمانها، خلقت انسان، گیاهان، جانوران و ... جنبه تذکر داشته و لذا به بیان تفصیلی هر مطلب لزومی نبوده است.

همچنین دیدیم که بعضی از موضوعات علمی مطرح در قرآن، اعجاز علمی آن را ثابت می‌نماید. قرآن این مطالب را از طریق بافت محیطی و اجتماعی خود کسب ننموده است؛ زیرا این کتاب آسمانی در سرزمینی بدون تمدن و بر فردی امی نازل گردیده و حتی دیگر تمدنهای بزرگ آن دوران نیز صاحب پیشرفتهای علمی چندانی نبوده‌اند، تا امکان انتقال این نظریات علمی به پیامبر اسلام (ص) مقدور شود. با این توضیح بدیهی می‌نماید که قرآن از سوی پروردگار یکتا آمده است. این مسئله قابل ملاحظه است که با وجود اینکه برخی از نشانه‌های علمی مطرح در قرآن همچون زوجیت گیاهان، حرکت زمین و خلقت انسان با نظریات علمی حاکم در زمان نزول

تفاوت داشته است اما قرآن آگاهانه و با صراحت و شجاعت به این قبیل موضوعات اشاره می‌نماید^{۲۴}

از سوی دیگر ذکر شواهد علمی در قرآن موجبات کنجکاوی انسان و دعوت به تأمل در شگفتیهای خلقت را فراهم می‌آورد و او را به سمت کشف مسائل مجهول عالم سوق می‌دهد. در قرون نخست شکل‌گیری تمدن اسلامی تأکید بر اهمیت دانش اندوزی، یکی از عوامل پیشرفت علمی مسلمانان شد و زمینه ساز پی‌ریزی بسیاری از علوم اسلامی گردید.^{۲۵} برای نمونه، عنایت اسلام به مسئله ارث به مثابه یک مسئله شرعی اقتضا می‌کرد که دانشمندان مسلمان به علم حساب و دقت در محاسبات آن بپردازند. همچنین اشارات مؤکد قرآن به حرکت خورشید، ستارگان و سیارات باعث شد تا علم کیهان‌شناسی (هیأت) در بین مسلمین رشد چشمگیری یابد؛ در این جهت لزوم در اختیار داشتن اوقات دقیق شرعی و اهمیت مسئله جهت‌شناسی در تعیین قبله نیز در موجب تسریع رشد این علم گردید.

هـ) گونه‌های مختلف تفسیر علمی

همان گونه که مطرح شد تفسیر علمی با اهداف گوناگونی نظیر اثبات اعجاز قرآن، بیان جایگاه رفیع علم از نظر اسلام، فهم صحیح معنای آیات الهی و نیز گاهی رد افکار انحرافی صورت می‌پذیرفته است. در این مبحث برآنیم تا به شیوه‌های مطرح در تفاسیر علمی از گذشته تاکنون نظری بیفکنیم.

الف) استخراج تمام علوم از قرآن

عالمان پیشین همچون غزالی و ... در استخراج همه علوم از قرآن تلاش نمودند؛ چون معتقد بودند که همه چیز در این کتاب الهی وجود دارد. بدین منظور، آیاتی که در ظاهر با قوانین علمی هماهنگ بودند استخراج می‌کردند و چنانچه ظاهر آنها برای این منظور کافی نبود، به تأویل این آیات متوسل می‌شدند و ظاهر آنها را با علوم و

دیدگاههای علمی مورد نظرشان منطبق می‌نمودند. این گونه بود که علم جبر، حساب، پزشکی، هندسه، نجوم، مقابله وجدل از قرآن استخراج گردید.

مثلاً چنان که پیشتر نیز اشاره شد از آیه «اذا مرضت فهو يشفين»^{۲۶} که خداوند از قول حضرت ابراهیم(ع) می‌گوید که «وقتی من بیمار شدم اوست که شفا می‌دهد» به استخراج علم پزشکی پرداختند^{۲۷} و از حروف مقطعه آغاز بعضی از سوره‌ها، برای دریافت علم جبر استفاده کردند^{۲۸} و از آیه «اذا زلزلت الارض زلزالها» زلزله سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش‌بینی نمودند^{۲۹}. بدیهی است که این نوع تفسیر علمی، به تأویلهای بسیاری در آیات قرآن، فارغ از در نظر گرفتن شیوه‌های تفسیری، ظاهر الفاظ و معنای واژگانی آنها منتهی خواهد شد.

ب) مطابقه و تحمیل نظریات علمی بر قرآن

این گونه از تفسیر علمی، عمدتاً در دوره معاصر رایج شد. عده زیادی از افراد با قطعی دانستن نظریات علوم تجربی کوشش نمودند تا به جستجوی آیاتی در موافقت با نظریات علمی در قرآن بپردازند و چنانچه آیه‌ای در این جهت به دست نمی‌آوردند، به تأویل یا تفسیر به رأی متوسل می‌شدند. به عنوان نمونه در آیه «هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها»^{۳۰} «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت.» واژه نفس به معنای پروتون و زوج را الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم هستند تلقی نموده و هدف قرآن را چنین تعبیر کرده‌اند که خداوند انسانها را از این دو ذره سازنده اتم آفریده است. آشکار است که در تفسیر حاضر، حتی معنای لغوی و اصلاحی نفس نیز در نظر گرفته نشده است.^{۳۱}

ج) استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن

در این روش، مفسر با احراز شرایط مورد نیاز و با دقت در شیوه‌های تفسیری، به تفسیر علمی قرآن می‌پردازد. در روش مذکور مفسر با بهره‌گیری از موضوعات

حتمی علوم، که با ظاهر آیات قرآن هم جهت است، به تفسیر علمی اقدام می‌کند و بدین وسیله معانی ناشناخته قرآن را به دست می‌آورد. این گونه از تفسیر تنها نوع درست تفسیر علمی است. همچنین می‌توان با بهره‌گیری از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن را نیز ثابت نمود. برای نمونه کشف قانون زوجیت عمومی گیاهان در قرن هفدهم میلادی صورت گرفت ولی قرآن هزار سال پیش از آن، مسئله زوجیت گیاهان را مطرح نموده است.^{۳۳}

از سوی دیگر مردم صدر اسلام از آیه «الشمس تجری لمستقر لها»^{۳۳} «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد» گردش محسوس و همیشگی خورشید را درک می‌نمودند. حال آنکه حرکت خورشید از مکانی در شرق به موقعیتی در غرب غیر واقعی است؛ چون این موضوع ناشی از خطای حس بینایی ماست و در واقع این زمین است که در گردش است و به همین دلیل، خورشید متحرک دیده می‌شود همان گونه که اشیای اطراف جاده برای شخصی که با قطار در حال مسافرت است متحرک تلقی می‌شود. بعدها با رشد دانش بشر و کشف حرکت زمین و خورشید معلوم شد که خورشید نیز خود حرکت انتقالی دارد و به علاوه منظومه شمسی و کهکشان راه شیری نیز در گردش است و ستاره‌ها و کهکشانها با سرعت زیادی از یکدیگر دور می‌شوند و جهان در حال انبساط است.^{۳۴}

(و) جمع‌بندی

با نگاهی به تفسیرهای علمی حاضر و با عنایت به مطالب گذشته می‌توان برای اصل موضوع یعنی مسئله انطباق قرآن با علوم تجربی (تفسیر علمی قرآن) آثار مثبت و منفی بر شمرد. بدیهی است که نوع سوم تفسیر علمی (استخدام علوم در فهم قرآن) از عوارض منفی مذکور میراست.

اثبات اعجاز علمی قرآن یکی از مهم‌ترین آثار مثبت تفسیر علمی است؛ زیرا، حجت را بر مشرکان در پذیرش اسلام و تقویت تمایل آنان به این دین آسمانی تمام می‌کند؛ برای اینکه قرآن به رغم دیگر کتب مقدس، اشارات علمی مهمی را به اهل

تحقیق گوشزد می‌کند. مشخص شدن تفسیر علمی آیات قرآن را نیز می‌توان از دیگر دستاوردهای این شیوه تفسیری برشمرد. به علاوه پیشگیری از بروز توهم تقابل علم و دین را نیز می‌بایست به آثار مثبت فوق افزود؛ زیرا مردم نسبت به سازگاری کامل اسلام با پیشرفت علوم پیشرفت اطمینان حاصل می‌کنند.

در مقابل باید این مطلب را متذکر شد که برخی از شیوه‌های تفاسیر علمی قرآن موجبات تفسیر به رأی را نیز فراهم می‌آورد و حتی تأویلهای غیرمجاز و سوء فهم قرآن را هم می‌تواند به دنبال داشته باشد، تا جایی که قرآن را تابعی از علوم معرفی کند. از طرفی توجه بیش از حد به این نوع از تفسیر ممکن است موجب فراموش شدن جنبه تربیتی و هدایتی قرآن شود. همچنین ورود موضوعات اشتباه و تضادهای درونی علوم به قرآن را نیز می‌توان بر احتمالات فوق افزود.

از مجموع مطالب مطرح شده در مقاله حاضر و نقد و بررسی آثار موافقان و مخالفان تفسیر علمی، این نتیجه حاصل می‌گردد که رد کامل یا تأیید حتمی تمام انواع تفسیر علمی صحیح نیست. بدیهی است مواردی همچون تفسیر به رأی، استخدام علوم با تمسک به تأویل غیر صحیح آیات، تحمیل نظریات علمی یا دیدگاه مفسر بر قرآن، انجام تفسیر علمی توسط افراد غیر متخصص و به کمک علوم غیر قطعی ... می‌تواند از معیارها و مصادیق تفاسیر علمی غیر معتبر محسوب گردند.

پی‌نوشتها

- ۱- المیزان، ج ۱، ص ۴
- ۲- استاد احمد امین؛ راه تکامل، ترجمه بهشتی، لاری و امامی، ج ۱، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، ص ۶۵
- ۳- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۶۵، قم، ص ۲۲۳-۲۶۷
- ۴- جرجی زیدان؛ تاریخ تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۱۵۳
- ۵- بقره آیه ۲۹
- ۶- فخر رازی، تفسیرالکبیر، ج ۱، ص ۱۴۴، چاپ دارالکتب العلمیه بیروت، ۱۴۱۱
- ۷- رسائل ابن سینا، ص ۱۲۹-۱۲۸
- ۸- بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۵، چاپ دارالکتاب الاسلامیه تهران
- ۹- در مصر بعد از حضور سیدجمال الدین اسد آبادی و شاگردش محمد عبده، تفسیر علمی رونق گرفت. در هند نیز می‌توان به تلاشهای احمد خان هندی و سید امیر علی در زمینه آمیختن مسائل دینی با علوم جدید اشاره کرد.
- ۱۰- سرافرازی، عباسعلی؛ رابطه علم و دین، چاپ چهارم، نشر فرهنگ اسلامی، ص ۱۶
- ۱۱- احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹، چاپ دارالمعرفه بیروت
- ۱۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷
- ۱۳- نحل / ۸۹
- ۱۴- انبیاء / ۴۷
- ۱۵- غافر / ۱۵
- ۱۶- شعرا / ۸۰
- ۱۷- به عنوان مثال از امام محمد باقر (ع) چنین روایت شده است: خداوند تعالی همه آن چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند فرو گذار نکرده است مگر آنکه آنها را در قرآن نازل فرمود و برای پیامبر (ص) بیان کرده است. (نورالثقلین، ج ۲، ص ۷۴)
- ۱۸- طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸
- ۱۹- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۲-۳۶۱
- ۲۰- برای اطلاع بیشتر رک: به درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، پیشین
- ۲۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و کشاف، ج ۲، ص ۲۱ و ۳۱
- ۲۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷ و مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸

بررسی موضوعی انطباق قرآن با علوم تجربی / ۲۳۷

- ۲۳- یس / ۳۶
- ۲۴- سوره نحل ۸۹ / یس ۳۶ / دخان ۱۰
- ۲۵- سرافرازی، عباسعلی؛ رابطه علم و دین، پیشین، ص ۴۳
- ۲۶- شعرا / ۸۰
- ۲۷- ابو حامد غزالی، جواهر القرآن، فصل پنجم، چاپ بیروت، مرکز العربی للکتاب، ص ۲۷
- ۲۸- التفسیر المفسرون، ج ۲، ص ۲۸۱
- ۲۹- البرهان فی علوم القرآن، چاپ دارالمعرفه بیروت، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۲
- ۳۰- اعراف / ۱۸۹، ترجمه الهی قمشهای
- ۳۱- القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶
- ۳۲- یس / ۳۶
- ۳۳- یس / ۳۸
- ۳۴- اریک، اوبلاکر؛ فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، انتشارات قدیانی، ص ۴۵-۴۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی